

کمیانیهای امپریالیستی به خاک "میهن اسلامی" خوش آمدید!

قواردادیک میلیارد لیره ای با شرکت چند ملیتی "تالبوت"

پس از شصده بازی صخره اشغال سفارت آمریکا و آغاز " مبارزه ضد امپریالیستی رژیم جمهوری اسلامی، دوره دوم دوره ای عوام فریبی و ارشادی شعارهای دهن برکن و توحالی بسود " آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند"، درود بر رجا ی شهید و فطحات روزنامه ها را با درشت ترین حروف ممکن پوشانده بود. آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند!" در وقت استیلا و تسلطی در کجا؟ مثلاً در وینتام، هیچ غلطی نمیتواند بکند، در اوایل یک در آوریل ۷۵ دیدیم با زمانندگان ارتش و کارکنان سزاران امپریالیسم آمریکا و سرسپردگان داخلی اش، با جهت تحصیل و رفتنی با بفرار گذاشتند و دیدیم که بوزهی بزرگترین قدرت اقتصادی و نظامی جهان، بخاک مالیده شد. آمریکا در اوایل سال ۷۹ (۱۷ و ۵۷)، در مقابل سنج میلیونیهایش از زنده های واقعا ضد امپریالیست، در ایران نیز هیچ غلطی نمیتوانست بکند. ولی عمیق تراژدی - گندی اشغال سفارت در این بود که رهبران جمهوری اسلامی، با ظار ما هیت طلبانای خود و وحشت آنجا از زنده ها به تنها چیزی که فکرمی کردند، یک مبارزه ای ضد امپریالیستی واقعی بود. از تقدیس کنندگان مالکیت خصوصی و حامیان سرمایه گزین مستوران انتظار مبراز صمد امپریالیستی داشت؟

پس از اشغال حساب شده سفارت، استکار عمل همواره بدست امپریالیسم آمریکا بود. این آمریکا بود که خرید نفت از ایران را تحریم کرد، این آمریکا بود که روابط خود با ایران را قطع کرد. این آمریکا بود که محاصره ای اقتصادی را بر رژیم جمهوری اسلامی تحمیل کرد و این آمریکا بود که پس ۱۲ تا ۱۶ میلیارد دلار (که رقم دقیق آن بیخوش و حتی امروز مشخص شده) از ذخایر ارزی و دارائیهای ایران را مسدود کرد. رژیم جمهوری اسلامی در مقابل این حملات مداوم، فقط شعارهای عوام فریبانه و وسیع محتوی ارائه میداد و در همین حال می کوشیدند تنها از تعمیق حواستهای ضد امپریالیستی توده ها جلوگیری بعمل آورند بلکه با بیشترین تلاش، احساسات صمد امپریالیستی آنان را مهار کنند. نتیجه ای با اصلاح مبارزه ای ضد امپریالیستی رژیم، از همان آغاز روشن بود. مبارز اول در شیم و بعد هاشمی تا آگاه ترین توده ها نیسیز دیدند " شیطان بزرگ"، با جه خفت و فضا حتی بوزهی بزرگ - ان و محلس های سرمایه را با خاک مالید. و " انقلاب بزرگتر از انقلاب اول" با چهره سوائی ننگینی به گور سیرده شد و شعار های عوام فریبانه رهبران همچون تف سربا لایر چه دروغگو - بیان تاریخ، ماسک شد.



دراولین ماههای جنجال اشغال سفارت، در زمانی که امپریالیسم آمریکا و همدمان آن، محاصره ای اقتصادی (با بقول رهبران "حصار اقتصادی") را به ایران تحمیل کردند رهبران، سیاست مرناش ما با نهی "روزه سیاسی" (بسیاری دیگران، نه برای خودشان) را پیشنها دمیکردند و در مقابل سایر حملات و فشارهای امپریالیسم آمریکا، فقط شعار میدادند. دراولین ماههای شصده بازی "ضد امپریالیستی"، در حالیکه میلیونها نفر در خبا با آنها شعار مرگ بر امپریالیسم میدادند، با دوهای آرزوی ولایت فقیه، با اجازه ی "رهبر" بطور مستقیم و غیر مستقیم (در آغاز بطور فوق العاده محرمانه)، مشغول زدوبند با امپریالیسم آمریکا بودند. درست در همین ایام، قریب یکسال و چند ماه پیش بود که ما از کارخانه ها و موسسات با اصلاح ملی شده خبرهایی دریافت داشتیم مبنی بر اینکه رژیم جمهوری اسلامی در نظر دارد از کمیانی ها و سرمایه داران کشورهای امپریالیستی برای بازگشت به ایران دعوت کند. (۱) این تصمیم مورد تأیید هر دو جناح حاکمیت در شورای انقلاب، قرار داشت. رژیم جمهوری اسلامی در اجرای این تصمیم آنچنان تعجیل داشت که نمیخواست منتظر بیان ما اجرای کروگانگیری شود، و در اوج "مبارزه ای ضد امپریالیستی" خود، به تهیه ای مقدمات با زکشت غارتگران بیسن - الملکی پرداخت.

در آن ایام که بخش عظیمی از توده ها، صحنه سازیهای

نمایش "ضد امپریالیستی رژیم جمهوری اسلامی را هنوز باور داشتند، مجال بود که، توده های میلیونها مردمی که به کوچک و خیابان می ریختند، بسته گذت: بازی تمام شد، به خانه ها بستان سرگردید، و با (جمهوری هروبا ندولایت فقیه) به اهداف خود رسیدیم. این حرف اما نباید، موسوی خوشبینی ها، آتش بسازم که وزارت پستی از محلل های ولایت فقیه در مجلس شورای اسلامی با اجاحت تمام می توانست برند، ولی در آنوقت، در یکسال و چند ماه پیش، نمیشد.

بازی تصمیم شورای انقلاب، در اوایل زمستان ۵۸ با توجه به جزئیات داد امپریالیستی خاکم بر جا صمد، در مرحله ای اول شکل زده بسود:

۱- ایجاد در گروه تسهیلات لازم برای بازگشت سرما به های کشور. دارای غرضی نظیر انگلیس، آلمان، فرانسه، ژاپن و غیره (بعلاوه استثنای آمریکا).

۲- در حال حاضر با زکشت سرما به مورد نظر است نه با زکشت مدیر - بت. حتی امکان از با زکشت بلافاصله ای کارشناسان و مستشاران اروپائی نیز خودداری شود (بازگشت کارشناسان ژاپنی اشکالی نخواهد داشت).

این تصمیم در آن وقت، از آنجا که کشورهای غربی (علاوه بر استقبال شدید از این تصمیم شورای انقلاب) اجرای آنرا سوکول به حل مسئله ای گروگانها کرده بودند بلافاصله نتوانست عملی شود. ولی رژیم جمهوری اسلامی، همانطوریکه گفتیم، بلافاصله در صدد تهیه ای مقدمات آن برآمد. در همان ایام ما اطلاع یافتیم که وزارت صنایع و معادن، مدیران کارخانه ها و موسسات "ملی" شده را فراخوانده و سیاست شورای انقلاب (مورد تأیید هر دو جناح حاکمیت) مبنی بر بازگشت تدریجی کمیانیهای امپریالیستی (بعلاوه بر آمریکا) به ایران را به آنها اعلام داشت. وقتی که مدیریک کارخانه تهیه روغن مرشورا استخراج کرد و گفت:

- کارخانه ما علیه عوام محاصره ای اقتصادی، با کمبود مواد اولیه مواجه نیست و در آینده نیز از این بابیت در مضیقه نخواهد بود. ما مواد اولیه را با اراد داخل و با از کشورهای دیگر، ایسز از کشورهای رومانی، یا شرایطی بسیار مساعد تهیه کرده ایم. اگر سیاست دولت، واقعا عدم وابستگی با شد ما بتدریج قادریم از ورود همین مقدار مواد اولیه از خارج نیز بی نیاز شویم. بنا بر این فلسفه ای بازگشت کمیانیسی شل چیست؟

جواب شنید:

- این سیاست کلی شورای انقلاب است.
- مدیر کارخانه گفته گفت:
- چند هزار کارگر کارخانه بهیچوجه به با زکشت کمیانی غارتگر شل رغابت نخواهند داد.
- به او گفته شد:
- بهر حال شما وظیفه دارید که جورا برای اجرای سیاست کلی دولت آماده کنید. در غیر این صورت، مدیر دیگری بجای شما انتخاب خواهد شد.



اطلاعات فوق، همانطوریکه گفته شد، مربوط به ماههای اول اشغال سفارت است. مربوط به زمانی است که کشور توسط شورای انقلاب با شرکت دو جناح حاکمیت اداره میشد (علاوه بر بهشتی، رفسنانی، خامنه ای و غیره، بنی صدر، سازگان قطب زاده و غیره در آن شرکت داشتند). مربوط به زمانی است که انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای ملی (و بعدا اسلامی) انجام نشده بود، هنوز دولت "صمد در صدمکتیسی رجا شسی برکتا رنیا مده بود، جنگ ایران و عراق آغاز نشده بود، و جنگ دو جناح حاکمیت از درون چهار ردیواری انانهای در بسته به سر هر گوی و برزن کشانده نشده بود. ولی ما به بعد، در آذر ۵۹ (یکماه قبل از اینکه گروگانهای آمریکا شای از دوشونم محمد علی رجائی، نخست وزیر مکتبی، با یکی از بلندگوهای سرما به داران آلمانی معا صبه ای انجام داد که اطلاعات مذکور

در فوق ما را بطور کامل تا شید میگرد. ما در مقاله کوتاه "چگونه حکومت جهانی مستضعفان پایه گذاری میشود" (رهائی ۵۹)، آن معا حبه را به اختصار مورد بررسی قرار دادیم. در آن مصاحبه محمد علی رجائی "مقلداً میبدمستضعفان جهان"، با صراحت کامل اعلام داشته بود که: "نگرانی سرمایه گذاران و صاحبان صنایع آلمانی در ایران، بی اساس و منتج از سوء تفاهات است. به کمپانی های امپریالیستی وعده داده بود که نه تنها کارخانه ها و موسسات "ملی" شده از ما در خارج میشوند بلکه حتی اینگونه کارخانه ها و موسسات "غرامت خود را از ایران دریافت خواهند داشت"، زیرا که رژیم جمهوری اسلامی برای مالکیت ارزش قائل است. و با لاف قول میداد که "بسیار ایجا دستهیلات ضروری، راه را برای سرمایه گذاری آلمانی و کشورهای خارجی دیگر، هموار" میسازد.



رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی که در اوج با اصطلاح "مبارزه ای ضد امپریالیستی خود، مشغول ساخت و پاخت با امپریالیستهای اروپائی و حتی امپریالیسم آمریکا بود، بنا به تعال مدتهای مدید (و حتی امروز که طشت رسوائی این "مبارزه" از پشت بام ها افتاده)، اعتما بات، تحمّن ها و اعتراضات کارگران را به بیانه ای اینک " ما داریم با آمریکا می جنگیم"، سرکوب کرده و هر گونه فربا دحق طلبانه کارگران و سایر زحمتکشان را با "چماق" مبارزه با امپریالیسم"، در گلو خفه میکرد. رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی در همان زمانی که در صدد زد و بند با امپریالیسم و با زسازی سرمایه داری و دعوت از کمپانی های غارتگر امپریالیستی بود، با شعارهای تو خالی و به بیانه ای " رسیدن به خودکفائی"، " قطع وابستگی"، " استقلال اقتصادی" و " استقرار حکومت مستضعفان علیه مستکبران" و خز عیلات دیگر، ساعات کار کارگران را افزایش میداد، تعطیلی پنجشنبه ها را حذف میکرد و بخشی از دستمزدها را (سودویزه) را به جیب سرمایه داران سر از بر میگردد. امروز که دکان سفارت آمریکا و "مبارزه ضد امپریالیستی" بکسره نخسته شده، رژیم ضد کارگری و ضد مردمی جمهوری اسلامی، دست از سر کارگران و سایر زحمتکشان بر نمیدارد و بیانه ای تازه ای برای سرکوب آنها بدست آورده است. از قدیم (گویا با بطبع نوکران و محلل های سرمایه داری) گفته اند: خداوند چون دری را میبندد ز رحمت در دیگری را (برای عوام فریبی) می گشاید. و قتی که دکان سفارت تخته میشود، جنگ جنا بنگارانه ای دود دولت ارتجاعی و ضد مردمی ایران و عراق پیش می آید. " جنگ اسلام علیه کفر"، " دفاع از زمین اسلامی" و لافا ثلاث دیگر، محملی میشود برای استمرار تم طبقاتی و استثمار هر چه بیشتر زحمتکشان و برای تحمیل خواست تمام دولت های ستکر سرمایه داری بر سر کارگران یعنی شعار: " تولید بیشتر و حقوق کمتر".

رژیم جمهوری اسلامی که از نظر سیاسی و اجتماعی در استیمال کامل و از نظر اقتصادی، در آستانه ورشکستگی قرار دارد، بیش از پیش عربان تر، به سرکوب و حیسانه مشول میشود. و در همین حال، بخاطر ما هیت طبقاتی اش، تنها راه نجات خود را در این سببند که به دا من امپریالیسم به خامیان همیشگی " اسلام عزیز" (در منطقه و در ایران) پناه ببرد. از همان آغاز استقرار جمهوری اسلامی (چه در زمان حکومت بازگان و چه در زمان حاکمیت بهشتی- و در هر دو حال تحت رهبری " امام امت")، صدها سند در باره ی نزدیک شدن و سازش رژیم جمهوری اسلامی با امپریالیستها در نشریات انقلابی-جیب و در این ماه های اخیر هم چنین در مجاهد انتشار یافت. مطبوعات خارجی، بویژه مطبوعات مترقی اروپائی دهها و صدها مطلب در این زمینه انتشار داده اند، در ماه های اخیر، بویژه پس از جنگ جنا بنگارانه ای دود دولت ارتجاعی ایران و عراق، اخباری در اینجا و آنجا انتشار یافت مبنی بر خرید اسلحه توسط جمهوری اسلامی از اسرائیل (از طریق هلند) و از آمریکا (از طریق کره جنوبی)، فروش نفت به کشورهای دهرست آفریقای جنوبی و ورود محصولات این

کشور، با حجمی به مراتب بیشتر از زمان شاه، قرارداد های بسیار مهم با رژیم کودتا بی ترکیه و یکی از سرپردهگان آمریکا در منطقه و غیره و غیره. در مورد قرارداد های اخیر الذکر (که کم و کیف آن طبق معمول انتشار یافت)، کار بجائی میرسد که سفیر ترکیه در تهران، در یک معا حبه تلویزیونی با سیمای جمهوری اسلامی (در شب ۲۴ آوریل - ۲ اردیبهشت) با خوشحالی حجم میا دلات دو کشور " بی سابقه" میخواند و با دست و دل بازی تمام اعلام میکند که: تمام راه آهن ها و سایر راه های ترکیه (برای سرازیر شدن محصولات و مصنوعات کشورهای امپریالیستی)، در اختیار جمهوری اسلامی قرار میگیرد. حتی واردات مستقیم از آمریکا، کمربات ایران را انباشته است و رژیم جمهوری اسلامی برای اینکه همچنان " ضد امپریالیست" باقی بماند، روی عبارت " Made in U.S.A" را بارنگ می پوشاند. (۲)

این اطلاعات صدها هزاران نمونه ای دیگر، یا با کموت مطلق رژیم جمهوری اسلامی مواجه میشود و با براس همان سیاست دروغ با فانه و ربا کارانه ای مورد عمل رژیم، " شیدا جور و تکذیب" قرار میگیرد. ولی در این میان واقع های بوقوع پیوست که رژیم جمهوری اسلامی علیرغم میل باطنی خود (و علیرغم علاقه اش به بیانه نگاری) نتوانست بروی آن سر پوش بگذارد. و آن موضوع قرارداد یک میلیار دلیرای جمهوری اسلامی با کمپانی چند ملیتی تالبوت بود. گرچه سخنگویان بسلیل زبان دولت مکتبی روزنامه جمهوری اسلامی (که معمولاً از یک گاه، گوه میسازند) در مورد این قرارداد عظیم هیچگونه اظهار نظری نکرده اند، ولی طشت رسوائی آنچنان شدید صدا در آمد که روزنامه های وابسته به رژیم نظیر کیهان و اطلاعات مجبور شده اند که محتاطانه در مطبوعات در مطبوعات خارجی را مورد تا شید قرار دهند. حتی روزنامه ی رقیب جناح حاکم یعنی روزنامه ای انقلاب اسلامی - که قاعدتاً باید از انعقاد قرارداد جمهوری اسلامی با کمپانی تالبوت خوشنود با شد، بدلیل خاص خود، فرصت را برای افشاگری مناسب یافته است.



حقیقت اینست که اهمیت فوق العاده این قرارداد و بحث وسیع آن در مطبوعات خارجی، خوشحالی زائده لومف محافل نزدیک به امپریالیسم انگلستان از این قرارداد و بویژه اعلام در برنا می فارسی را دیوبی بی، با لاف روزنامه های اطلاعات و کیهان را مجبور به اعتراف و روزنامه ای انقلاب اسلامی را " ناگزیر" به افشاکاری کرده است. خشم روزنامه ای بنی صدر، با ننگ مرکزی و وزارت بازرگانی نه بعلت انعقاد این قرارداد بلکه بیشتر از این بابت است که در جریان این مذاکرات و امضا بخشی از آن قراردادهای

قرارداد یک میلیار دلیرای بین جمهوری اسلامی و شرکت امپریالیستی تالبوت، دارای پنج قسمت است که یک قسمت آن امضا شده و سه قسمت دیگر پاراف شده و منتظر امضا نهائی است و قسمت پنجم هنوز تحت مذاکره است. (۲) طبق این قرارداد، شرکت تالبوت " به مدت پنج سال، هر ساله قطعات کامل یکمده هزار دستگاه اتومبیل بیگمان را به جمهوری اسلامی تحویل خواهد داد. همانطور که امپریالیسم آمریکا، تجهیزات نظامی و سلاح های از دور خارج شده خود را به رژیم شاه قالب میکرد، امپریالیسم انگلستان نیز همان بلا را بر رژیم جمهوری اسلامی می آورد:

" اتومبیل های ما در به ایران از نوع کرا پیلرها نتر است که دیگر در انگلستان عرضه نمیشوند. علاوه بر تحول سالانه قطعات کامل یکمده هزار دستگاه" برای مونتاژ اتومبیل بیگان:

" کمپانی تالبوت مشغول مذاکراتی است که طبق آن ۵ هزار موتور ها نتر، جمع بندنه " پروپ شست" ۳ کسل عقب برای وانت های نیم تنی مزدا های ایران

بقیه در صفحه ۱۷

اتحاد کارگران، ناقوس مرگ سرمایه داری است

کمپانیهای...

کدهرتهران مونتاز میشود. تحویل خواهد داد... مذاکرات در مرحله نهایی است و شرکت تالیوت طی پنج سال آینده سهم مملوین قطعات و یارت های مختلف ماشین را برای مونتاز... درتهران تحویل خواهد داد... انتشار خبر این قرارداد، موجی از خوشحالی در بلندگوهای سرمایه داری انگلستان برانگیخت:

امیرالیمستی تالیوت " همه یکباره " بود. ولی مدت قرارداد جمهوری اسلامی با همان کمپانی " حداقل برای مدت پنجسال است... تفابوت دیگر قرارداد کمپانی تالیوت با وزیر شاه و وزیرم جمهوری اسلامی در اینست که: " (ارزش قرارداد آموخته) بین ۷۵ تا یکصد درصد از ارزش قرارداد فعلی (منعقد در زمان شاه) بیشتر خواهد بود... و به بیان روشن تر، وابستگی صنایع مونتاز را تومیل در زمان حکومت جمهوری اسلامی پدر " اقتصاد اسلامی " به کمپانی امیرالیمستی بین ۷۵ تا ۱۰۰ درصد بیشتر از وابستگی صنایع در زمان رژیم سرسیرده شاه خواهد بود... ایگاش آن خائنین به سوی الیم و نوده های زحمتکش، که رژیم جمهوری اسلامی را هنوز " خدا مبرالیمست، خلقی، " و "نا- وابسته " قلمداد میکنند، یک جوهرم میداشند!

توضیحات

- (۱) امروز بحث اطلاعاتی که ما در آن ایام دریافت داشتیم بویژه پس از معاهده محمد علی رجائی با یکی از بلندگوهای امیرالیمست آلمان (مراجعه کنید به رها ۵۹) کا ملاحظه اشات رسیده است. و امروز، بعد از یکسال و چند ماه (بطوریکه در صفحات بعد خواهد دید) تازه فاش میشود که مذاکره با کمپانی تالیوت، که قبیل ازما برای گروگانگیری آغاز شده بود، در تمام مدتی که جمهوری اسلامی با " امیرالیمست در حال جنگ " بود، مخفیانها داده داشت... (۲) مراجعه کنید، به مقاله " رتک ورمای خدا مبرالیمستی بروی مارک USA مجاهد، شماره ۱۱۷ (۳) برای مطالعه نیش های قلمی روزنامه انقلاب اسلامی و اظهار نظرهای بانک مرکزی و وزارت بازرگانی، مراجعه کنید به روزنامه انقلاب اسلامی، مورخ ۶۰/۲/۶ (۴) عبارات داخل گیومه (از اینجانبان مقاله)، تماما از روزنامه های " انقلاب اسلامی " مورخ ۶۰/۲/۶، " اطلاعات " مورخ ۶۰/۲/۸ و " کیهان " مورخ ۶۰/۲/۹ عین نقل شده اند.

همانطوریکه قبلا اشاره کرده ایم، مذاکرات با شرکت تالیوت به تنهایی قبیل از خیمه شب باری اشغال سفارت و آغاز مسارزدی خدا مبرالیمستی " رژیم معنی شیل از اینک " انقلاب دوم " (مانند " انقلاب اول " مرده بدنیما نباید، آغاز شده: " بنا به اظهار روابط عمومی شرکت تالیوت، شروع مذاکرات قبیل از بحران گروگانگیری بوده است... بلکه ما هیا قبل از اینک " انقلاب بزرگتر از انقلاب اول " بطور رسمی بخاک سپرده شود، رژیم " خدا مبرالیمستی " در " شماس نزدیک " با کمپانی امیرالیمستی تالیوت بوده و مذاکرات بطور مخفیانها جریان داشت: " مدیر شرکت تالیوت اعلام کرده که این شرکت طی ماههای گذشته، در شماس نزدیک با مقامات ایرانی بوده است... میران خوشحالی زاید الوصف محافل امیرالیمستی انگلستان از اطلاع رسمی کمپانی بخوسی نمایان است: " (این قرارداد) یکی از بزرگترین سفارشات ما دراتی بوده که تا بحال به یک کمپانی بریتانیایی واکذار شده است... آقای جرج ترون برول، مدیر اجرایی کمپانی تالیوت، از خوشحالی در بیوست نمیگنجد:

" با داشتن بالغ بر شصت درصد از صادرات بریتانیا به ایران توسط کارخانه تالیوت، ما بزرگترین من اطمینان دارم که رابطه نزدیک با نمایندگان دولت ایران... دوری دوران بحران اخیر (قضیه گروگانگیری و تحریم اقتصادی)، به یک نتیجهی برثمر و تشویق کننده ترین قرارداد ما دراتی رسیده است... در زمینه اساس مسئله (یعنی برای اجزاء تنها قسمت از پنج قسمت قرارداد که هنوز امضا نشده)، هیچ مشکلی وجود ندارد. بحث فقط بر سر مدت قرارداد دینجم است. رژیم مکتبی مغلوب جمهوری اسلامی به حداقل ۵ سال سرسپردگی رضایت داده است. ولی کمپانی تالیوت با " شمس " امیرالیمستی خود، استیمال دولت مکتبی را میبندد، به این حدراستی نیست و از هم اکنون تا تنور گرم است میخواهد تا هر چه بیشتری را به داخل تنور جمهوری اسلامی بچسباند: " دیروز سخنگوی شرکت تالیوت گفت که موضوع اصلی مورد مذاکره بین طرفین بر سر مدت قرارداد دینجم است که پس از پنج سال خانه با بدویا اینکه ادامه پیدا کند... از رقم عظیم یک میلیارد لیره ای که بگذریم، فرق قرارداد رژیم سرسیرده شاه و کمپانی تالیوت با قرارداد رژیم خدا مبرالیمست " و " نا وابسته " ی جمهوری اسلامی و همان کمپانی در این است که قراردادهای شاه با کمپانی

رفقای هوا دار!
هموطنان مبارز!
سازمان ما برای پیشبرد برنامه های مبارزاتی خود احتیاج مبرم به کمکهای مالی شما دارد.
کمکهای مالی خود را از هر طریق که میتوانید به ما برسانید.

" تولید بیشتر " و " حقوق کمتر " تنها شعار جمهوری اسلامی نیست،
سرود " آفتاب سیونال " سرمایه داری است